نوع مقاله: پژوهشی
10.52547/ph.14.28.51 doi
دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸
پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

تحلیل رمزگان فیلم شطرنج بادِ محمدرضا اصلانی بر اساس نشانه‌شناسی امبرتو اکو*

مهدی قدیانی** محمد شکری*** مینو خانی****

چکیده

نشانه‌شناسی "امبرتو اکو" در سینما، براساس بیان و محتوا، و فرهنگ و تفسیر، قابل واکاوی است. در این بین رمزگان‌ها که روابط میان بیان و محتوا هستند، اهمیت ویژه‌ای دارند. رمزگان‌ها در سینمای پست‌مدرن، سبب شکل‌گیری تفسیرهایی ازسویِ مخاطب می‌شوند که جنبه‌های فرهنگی در آن‌ها نقش بسزایی دارند. رمزگان‌های شکل‌گرفته در نشانه‌شناسی اکو شامل این موارد است: رویدادها، تداعی، بازنمایی، قراردادی، هم‌بستگی، دلالت‌ها، تفسیر، توصیف، روایتی، و مفهومی. این رمزگان‌ها دیدگاه‌های اکو را در زمینهٔ نشانه‌شناسی در سینما بازتاب می‌دهند. همچنین، باعث شناختی دقیق‌تر در سینمای پست‌مدرن ایران می‌شوند. درحال‌حاضر، هیچ سیستم کاملی برای نشانه‌شناسی سینمای پست‌مدرن وجود ندارد. این موضوع، نشان می‌دهد پژوهشگران همچنان درحال بررسی کشف نحوهٔ عملکرد نشانه‌ها و معانی در فیلم هستند. اما، قوانین کلی رمزگان‌ها وجود دارد. این قوانین، به نحوهٔ ارتباط نشانه‌ها با معانی و نحوهٔ تفسیر آن‌ها ازسویِ مخاطبان اشاره می‌کنند. در سینمای پست‌مدرن ایران، نشانه‌ها، نمادها و رمزگان‌ها نقشی کلیدی در بازنمایی و تفسیر ایفا می‌کنند. این موضوع، با دیدگاه اکو در ارتباط با نشانه‌ها و رمزگان‌ها هم‌خوانی دارد. تفسیر فیلم‌های پست‌مدرن به‌طور مداوم درحال تغییر و دگرگونی است و این، به‌دلیل بینامتنی بودن این نوع سینماست. در این نوع سینما، فیلم‌سازان از ارجاعات متعدد به آثار سینمایی، ادبی و هنری دیگر استفاده می‌کنند. این ارجاعات، لایه‌های معنایی جدیدی به فیلم می‌افزاید و به مخاطبانِ آگاه، امکان تفسیرهای متعدد از اثر را می‌دهد. این پژوهش از منظرِ هدف، نظری- کاربردی و از منظرِ شیوه، توصیفی- تحلیلی است. جامعهٔ آماری برخی از آثار سینمای پست‌مدرن جهان و ایران و همچنین مطالعهٔ موردی فیلم "شطرنج باد" از محمدرضا اصلانی است.

واژگان کلیدی: تحلیل رمزگان، نشانه‌شناسی، اکو، سینما، شطرنج باد

---

* این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری مهدی قدیانی: "سینمای پست‌مدرن ایران؛ تحلیلی براساس نشانه‌شناسی اکو (مورد مطالعاتی "شطرنج باد" محمدرضا اصلانی، "فروشنده" اصغر فرهادی و "شیرین" عباس کیارستمی)"، به راهنمایی دکتر محمد شکری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال است.

** دانشجوی دکتری فلسفه هنر، گروه فلسفه، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. mahdighadyani@gmail.com
*** استادیار، گروه فلسفه، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران(نویسنده مسئول). ohammadshokry44@gmail.com
**** استادیار، گروه فلسفه، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. khanyminoo@gmail.com

مقدمه

سینمای پست‌مدرن، جریانی نوظهور در اواخر قرن بیستم است که با هدف نقد و بازنگری در قواعد و ساختارهای پیش از خود، شکل گرفت. این سبک سینمایی، با به چالش کشیدن مفاهیمی مانند واقعیت، هویت و روایت، مرزهای بین ژانرها[1] را در هم می‌شکند و تجربه‌ای نو و غیرمعمول را برای مخاطب رقم می‌زند. در سینمای پست‌مدرن، روایت داستان به شیوه‌ای خطی و منظم دنبال نمی‌شود. خطوط زمانی جابه‌جا می‌شوند، روایت‌های موازی به هم می‌پیوندند. سینمای پست‌مدرن، به‌طور گسترده از ارجاعات و اشارات به فیلم‌های دیگر، آثار ادبی، و سایر متون فرهنگی استفاده می‌کند. این بینامتنیت، به ایجاد لایه‌های معنایی متعدد و غنی در فیلم کمک می‌کند و به مخاطب اجازه می‌دهد تا تفاسیر مختلفی از داستان را ارائه دهد.

سینمای پست‌مدرن ایران، با الهام از جریان‌های پست‌مدرن جهانی، به‌دنبال بازبینی و نقد روایت‌های غالب در سینمای قبل از خود است. این سینما، با برجسته‌سازی عناصر فرمی و محتوایی جدید، به چالش کشیدن مفاهیمِ تثبیت‌شده و ایجاد فضایی برای دیدگاه‌های مختلف، به نقد و بازاندیشیِ مفاهیم سینمای قبل از خود می‌پردازد. این فیلم‌ها اغلب تناقضات و تضادهای موجود در جامعه ایرانی، اعم از مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به تصویر می‌کشند و به دنبال یافتن راه‌حل‌هایی برای آن‌ها هستند.

رمزگان سینمای پست‌مدرن ایران براساس نشانه‌شناسی[2] اکو، دارای خصیصه‌ها و ویژگی‌هایی همانند رمزگان‌های رویدادها، تداعی، بازنمایی، قراردادی، هم‌بستگی، دلالت‌ها، تفسیر، توصیف، روایتی و رمزگان مفهومی است که می‌تواند مورد واکاوی قرار گیرد. «اکو مجموعهٔ رمزگان و رمزهای فرعی را که گیرندهٔ پیام به یاری آن‌ها پیام را امروزی می‌کند، با عنوان نظام یا دستگاه نظریهٔ بیان مشخص کرده است و در ساختار غایب، روش اقناعی پیام را در حد نظریهٔ بیان دانسته است.» (کرنی، ۱۴۰۰: ۷۵۱)

امبرتو اکو[3] در کتاب "نشانه‌شناسی: درآمدی بر نظریه نشانه‌ها"، به بررسی مبانی و مفاهیم کلیدی این علم می‌پردازد. دیدگاه اکو بر پایهٔ دو عنصر اصلیِ نشانه و معنا، بنا شده است. همان‌گونه که نشان‌شناسان بیان می‌کنند، نشانه هر چیزی است که به چیزی دیگر ارجاع داده شود. این ارجاع می‌تواند صریح (مانند کلمات) یا ضمنی (مانند علائم و نمادها) باشد. معنا نیز در این دیدگاه، حاصل تعامل بین نشانه و ذهن مفسر است. «آنچه نشانه خوانده می‌شود حاصل عملیات پیچیده‌ای است که در آن‌ها شیوه‌های گوناگون تولید و شناخت دخالت دارند.» (اکو، ۱۳۹۳: ۱۲) ازسویی، نشانه‌شناسیِ تصویری رمزگان‌هایی را در بر می‌گیرد که تفسیر نشانه‌هاست و در طول زمان، تأویل‌های متفاوتی را شامل می‌شود: «نشانه‌شناسی تصویر دشوار است؛ زیرا چنین نوع رمزگانی متشکل از نشانه‌های تحلیلی است و محتوا را در بر نمی‌گیرد و اجزای تحلیلی آن را شکل می‌دهد.» (Eco, 1979: 235).

اکو در مقالهٔ "درباره سهم سینما در نشانه‌شناسی"، به بررسی جنبه‌های نشانه‌شناسی سینما، به‌ویژه رابطهٔ بین نشانه‌ها و معانی آن‌ها در فیلم، می‌پردازد. «فیلم‌ها، مانند هر نوع متن دیگری، مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که برای انتقال معنا به کار گرفته می‌شوند. این نشانه‌ها شامل تصاویر، صداها، حرکات، و حتی سکوت‌ها می‌شوند.» (Eco, 2005: 18) او استدلال می‌کند، سینما شکلی منحصربه‌فرد از ارتباط است که از سیستم پیچیده‌ای از نشانه‌ها، ازجمله عناصر بصری، شنوایی و روایی استفاده می‌کند. ازسویی، بررسی می‌کند که چگونه این نشانه‌ها را مؤلف رمزگذاری و مخاطب رمزگشایی می‌کند. براین‌اساس، رمزگان‌های اشاره‌شده را می‌توان استنتاج کرد و تحلیلی از نشانه‌شناسی اکو و درک بهتر سینمای پست‌مدرن ایران ارائه داد. در بررسی‌های پژوهش حاضر، فیلم شطرنج بادِ محمدرضا اصلانی، واکاوی خواهد شد. این پژوهش با هدف تعمق در فهم پیچیدگی‌های سینمای پست‌مدرن و همچنین، ارائه چارچوبی نظری برای تحلیل و تفسیر این نوع سینما، انجام می‌شود. با ارائه یک چارچوب تحلیلی مبتنی‌بر نشانه‌شناسی اکو، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برای تحلیل سایر فیلم‌های پست‌مدرن مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های علمی متعددی با موضوع سینمای پست‌مدرن ایران ازسویِ محققان و پژوهشگران سینما، انجام شده است. در بسیاری از این پژوهش‌ها نشانه‌شناسی سینما، ویژگی‌های فرمی، تحلیل سینمای مدرن و پست‌مدرن بررسی شده است. "جرج فلیپ‌هیوارد"[4] دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد دانشگاه مک‌مستر در پایان‌نامهٔ خود "نشانه‌شناسی فیلم اولیه و نشانه سینمایی" (۱۹۹۱)، به بررسی ریشه‌های نشانه‌شناسی سینما پرداخته است. او در پژوهش خود، با کاوش در ساختار نشانه‌ای فیلم، به پایه‌های نظری تحلیل فیلم، کمک شایانی کرده است. وی با بررسی دقیق چگونگی ترکیب و تعامل عناصر بصری و صوتی در فیلم، نشان داده است که چگونه این عناصر به‌صورت مشترک برای ایجاد معانیِ پیچیده و چندلایه، همکاری می‌کنند. همچنین، با بهره‌گیری از مفاهیم اکو دربارهٔ نشانه‌ها و تفسیر، به

تحلیل دقیق ساختار معنایی فیلم‌ها پرداخته و بدین‌ترتیب، به توسعهٔ نظریه نشانه‌شناسی سینما، کمک قابل توجهی کرده است.

"پژمان بصیری‌زاده" کارشناس‌ارشدِ هنرهای نمایشی مؤسسهٔ آموزش عالیِ کمال‌الملک در پایان‌نامهٔ خود "مطالعه مؤلفه‌های پست‌مدرنیست در سینمای معاصر ایران" (۱۳۹۹)، به گفتمان پست‌مدرن که در دهه ۹۰ میلادیِ قرن بیستم وارد سینما شد، پرداخته است. مؤلفه‌هایی چون گسست زمان، فروپاشی کلان روایت‌ها، بینامتنیت، تقلید، عدم قطعیت، و از بین رفتن مرز واقعیت و هنر، سینمای پست‌مدرن را شکل داده است. این مؤلفه‌ها در سه فیلم ایرانی معاصر، شیرین از عباس کیارستمی، فروشنده از اصغر فرهادی و هجوم از شهرام مُکری قابل دریافت است که بررسی آن‌ها هدف پژوهش حاضر است. برای رسیدن به این هدف، از نظریه‌های متفکران پست‌مدرن چون "لیوتار"، "بودریار"، "کریستوا"، "لکان"، "دلوز" و "دریدا"، استفاده شده است.

"کریستین متز" نظریه‌پرداز سینما در کتاب "نشانه‌شناسی سینما" (۱۴۰۱)، به نشانه‌شناسی سینما پرداخته است. او تأکید دارد که فیلم‌ها، مانند زبان، مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که معنا را به مخاطب منتقل می‌کنند. متز به خصوص از نظریات "فردیناند دو سوسور" در زمینهٔ زبان‌شناسی الهام گرفته است؛ و این ایده را مطرح می‌کند که سینما، با استفاده از تصاویر و صداها، نوعی زبان تصویری است که به‌واسطهٔ تدوین، قاب‌بندی و صدا به تولید معنا می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین مباحث او تمایز بین رمزگان دلالتی و رمزگان معنایی است که نقشی حیاتی در درک فیلم‌ها ازسویِ مخاطب دارد.

امبرتو اکو در مقالهٔ "در مورد سهم فیلم در نشانه‌شناسی" (۱۹۷۷)، به بررسی نقش فیلم در توسعه و بسط علم نشانه‌شناسی می‌پردازد. اکو بیان می‌کند سینما، به‌عنوان یک رسانهٔ چندلایه و پیچیده، می‌تواند با ترکیب کدهای بصری، صوتی و روایتی، معناهای متعددی ایجاد کند و تفسیرهای مختلفی را ازسویِ مخاطبان به دنبال داشته باشد. او بر این نکته تأکید می‌کند که فیلم‌ها نه‌تنها به‌عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های مشخص عمل می‌کنند، بلکه می‌توان ازطریق آن‌ها، سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی را به تصویر کشید و همچنین، رمزگان‌های متنوعی را به کار برد که امکان بازخوانی و تفسیرهای گوناگون را فراهم کنند. اکو در این مقاله نشان می‌دهد که سینما به‌واسطهٔ این رمزگان‌ها، به فهم بهتر فرایندهای نشانه‌شناسی، کمک شایانی می‌کند.

در این پژوهش، رمزگان‌هایی از نشانه‌شناسی اکو استنتاج شده است که وجوهی از مؤلفه‌های سینمای پست‌مدرن را شامل می‌شود. در ادامه، تحلیل فیلم شطرنج بادِ اصلانی مورد پژوهش قرار گرفته است. نشانه‌شناسی اکو بر ماهیت نشانه‌ها، روابط میان آن‌ها و معانی‌شان، و همچنین، نحوهٔ تفسیر نشانه‌ها توسط مخاطب تأکید می‌کند. این رویکرد می‌تواند ابزاری مناسب برای تحلیل فیلم‌هایی باشد که به‌طور خاص از بازی‌های زبانی، بینامتنی و دیگر عناصر پست‌مدرن، بهره می‌برند. با توجه به نشانه‌شناسیِ سینمای پست‌مدرن ایران، می‌توان به درک عمیق‌تری از معانی فیلم‌های پست‌مدرن ایرانی رسید و آن‌ها را در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به کار برد.

روش پژوهش

این پژوهش، با هدف بررسی رمزگان سینمای پست‌مدرن ایران از منظرِ نشانه‌شناسی اکو، انجام شده است. ازنظرِ هدف، نظری- کاربردی و ازنظرِ روش، توصیفی - تحلیلی است. برای انجام پژوهش، از منابع مختلفی ازجمله مقالات و کتب مرتبط با نشانه‌شناسی اکو استفاده شده است. جامعهٔ آماری براساس فیلم‌های پست‌مدرن جهان و ایران و مطالعهٔ موردی فیلم شطرنج باد از محمدرضا اصلانی شکل گرفته است. تحلیل رمزگان این فیلم، می‌تواند برای درک عمق و پیچیدگی چنین آثاری (آثاری مشابه با این فیلم)، مورد استفاده قرار گیرد. بازی‌های زبانی، بینامتنی و دیگر عناصر پست‌مدرن به‌کاررفته در این فیلم، لایه‌های پنهانی از معنا را آشکار می‌سازند که بدون بهره‌گیری از ابزارهای نظری نشانه‌شناسی، قابل دستیابی نخواهند بود. پژوهش در این حوزه، علاوه‌بر غنی‌سازی دانش سینمایی، امکان می‌دهد تا ارتباط میان فیلم و بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه، بهتر درک شود.

کار برد رمزگان و نشانه‌شناسی اکو در تحلیل سینمای پست‌مدرن

رمزگان‌ها، به مجموعه‌ای از قواعد و قراردادهایی میان دالّ و مدلول گفته می‌شود که نحوهٔ تفسیر و درک نشانه‌ها را تعیین می‌کنند. این قواعد و قراردادها می‌توانند فرهنگی، زبانی یا اجتماعی باشند. «رابطهٔ دالّ و مدلول قراردادی و اعتباری است و رمزگان نقش مهمی در تفسیر و درک نشانه‌ها ایفا می‌کند.» (Eco, 1979: 117) رابطهٔ میان دالّ و مدلول، به‌عنوان دو عنصر تشکیل‌دهندهٔ نشانه، در نظام‌های نشانه‌ای مختلف، پیچیدگی‌های متفاوتی دارد. در نشانه‌شناسی زبانی، این رابطه عمدتاً قراردادی و اختیاری است، بدین معنا که ارتباط میان صورت نشانه (دالّ) و مفهوم آن (مدلول)، براساس توافق اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. بااین‌حال، در نظام‌های نشانه‌ای دیگر مانند نشانه‌های شمایلی یا نمایه‌ها، این رابطه

ممکن است پیچیده‌تر باشد و عوامل دیگری همچون شباهت ظاهری یا علّی نیز، در ایجاد ارتباط میان دالّ و مدلول نقش داشته باشند. علاوه‌براین، رمزگان همچون مجموعه‌ای از قواعد و کنوانسیون‌ها، نقش مهمی در تفسیر و درک نشانه‌ها دارد. در تحلیل آثاری هنری مانند فیلم، رمزگان نه‌تنها شامل نشانه‌های زبانی، بلکه نشانه‌های تصویری، صوتی و دیگر عناصر بصری را نیز شامل می‌شود. بنابراین، رابطهٔ میان رمزگانِ ارسالی توسط فیلم‌ساز و پیام دریافتی توسط مخاطب، نتیجهٔ تعامل پیچیده‌ای از عوامل مختلف است که فراتر از نشانه‌های زبانی است. سینمای پست‌مدرن با سبک خود، ارجاعی- طعنه‌آمیز، یا برگرفته از آثار دیگر، شناخته می‌شود. این سبک اغلب، انتظارات مخاطب و قراردادهای خود فیلم را هم به چالش می‌کشد. این جنبش در اواخر قرن بیستم، به‌ویژه در دهه ۱۹۸۰، به شهرت رسید و هنوز هم ادامه دارد. از ویژگی‌های سینمای پست‌مدرن تمایل آن به واژگونگی و بازسازی، نقد اجتماعی به باورهای دیرینه، نظام‌های ارزشی، ماهیت انسان، و پیشرفت اجتماعی است. این جنبش همچنین به‌دلیل جهان- فرهنگ شناخته می‌شود و اغلب، تصویرهای گذشته از جنسیت، نژاد، و طبقه را دگرگون می‌کند.

یکی از شیوه‌های رمزگان در پست‌مدرن، ساخت لایه‌های متعدد معنا و درگیر کردن مخاطب در فرایند تفسیر فیلم است. در این زمینه، مخاطب نقشی فعال در تفسیر فیلم ایفا می‌کند. آگاهی از رمزگان‌ها در نشانه‌شناسی سینما اهمیت ویژه‌ای دارند زیرا «بدون آگاهیِ نشانه‌شناسی، فیلم‌ها به‌عنوان طلسم‌های جادویی دیده می‌شوند.» (Eco, 1977: 14)دراین‌باره، انواع رمزگان شامل: رویدادها، تداعی، بازنمایی، قراردادی، هم‌بستگی، دلالت‌ها، تفسیر، توصیف، روایتی، و مفهومی بررسی خواهند شد. رمزگان‌های زیبایی‌شناختی در سینمای پست‌مدرن، با بهره‌گیری از مکانیزم‌های هم‌نشینی و جانشینی، ساختارهای پیچیده و چندلایه ایجاد می‌کنند. این ساختارها، با ایجاد فضایی برای تفسیرهای چندگانه و مبهم، به مخاطب امکان می‌دهند تا با اثر هنری، تعامل فعال‌تری برقرار کند. اهمیت ایهام و چندمعنایی در این‌جاست که به‌جای ارائه یک معنای واحد و قطعی، طیف وسیعی از معانی ممکن را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. این امر، ضمن افزایش لذت زیبایی‌شناختی در مخاطب، چالش کشیدن مفروضات و ایجاد تفکر انتقادی را هم تقویت می‌کند. لازم به ذکر است که رمزگان‌های زیبایی‌شناختی با رمزگان‌های دیگر، مانند رمزگان‌های زبانی، تفاوت‌های بنیادینی دارند. رمزگان‌های زیبایی‌شناختی اغلب ازطریق ایجاد ارتباطات غیرمنتظره و غیرعادی، به آفرینش تجربه‌های زیبایی‌شناختی جدید می‌پردازند. «پیامی که دارای کارکرد نشانه‌ای زیبایی‌شناختی است، با در نظر گرفتن سیستم روابطی که رمزگان نشان می‌دهد، به‌صورت مبهم ساختاربندی می‌شود. یک پیام مبهم، به‌دلیل اینکه امکان انتخاب‌های جایگزین متعددی را برای مخاطب فراهم می‌کند، می‌تواند کارکرد زیبایی‌شناختی را شکل دهد.» (Eco, 2011: 151)

رمزگان رویدادها: رویدادها دربردارندهٔ معانی ضمنی هستند که توسط نشانه‌ها منتقل می‌شوند؛ و نشانه‌ها عناصری هستند که به‌واسطهٔ قراردادهای اجتماعی و معنایی، به رویدادها نسبت داده می‌شوند. «نشانه، زمانی به وجود می‌آید که یک رویداد مادی، برای ما به چیز دیگری دلالت کند. ازآنجایی که یک کلمه، نشانهٔ پزشکی، تصویر فیلم و ... همگی رویدادهای مادی هستند ما را به چیز دیگری ارجاع می‌دهند، بنابراین تمام این پدیده‌ها نشانه‌اند.» (Eco, 1977: 2)

سینمای پست‌مدرن با زیر سؤال بردن هنجارها و قواعد سینمای کلاسیک، به بررسی مفاهیمی مانند واقعیت، هویت و معنا می‌پردازد. این امر زمینه‌ای را برای کاوش عمیق‌تر رابطهٔ بین نشانه‌شناسی و رویدادها، فراهم می‌کند. فیلم‌ها، نه‌تنها بازنماییِ رویدادها هستند، بلکه خود، رویدادهایی هستند که در زمان و مکان رخ می‌دهند. در سینمای پست‌مدرن، رویدادها اغلب به‌صورت قطعه‌قطعه، غیرخطی و چندگانه روایت، می‌شوند. رمزگانِ رویدادها معمولاً با استفاده از فن‌های مختلف فیلم‌سازی مانند تدوین، زاویهٔ دوربین، نورپردازی و موسیقی، به تصویر کشیده می‌شوند. در مقایسه با ساختار خطی در اغلب فیلم‌ها، آثاری همچون "قصه‌های عامه‌پسند"[۵] از "کوئنتین تارانتینو"،[۶] رویکردی کاملاً متفاوت به روایتگری دارد. این فیلم دارای ساختارهای شکسته، روایت‌های موازی و غیرخطی است. به‌جای دنبال کردن یک خط داستانی منسجم از ابتدا تا انتها، تارانتینو با جابه‌جایی در زمان و مکان، روایت‌های مختلف را به هم پیوند می‌زند. این رویکرد به مخاطب اجازه می‌دهد تا به‌جای یک تجربهٔ خطی، با یک پازل روایی مواجه شود و خود به دنبال یافتن ارتباط بین اجزای مختلف داستان باشد. چنین آثاری با استفاده از فنّ‌های سینمایی، روایت‌های پیچیده‌تری را می‌آفرینند که هم‌زمان هم به سنت‌های داستان‌گویی ارجاع داده می‌شوند، هم مرزهای روایتگری را جابه‌جا می‌کنند.

رمزگان دلالت‌ها[۷]: نشانه‌ها بر موضوعات دیگری هم دلالت می‌کنند و با چیزی که نشان می‌دهند کامل و بی‌نقص نیستند. این دلالت‌ها براساس قواعد و قراردادها، شکل می‌گیرند. «دلالت رابطهٔ دالّ و مدلول نقش مهمی در تفسیر و درک نشانه‌ها ایفا می‌کند.» (Eco, 1979: 316) دلالت در سینما، به

معنای انتقال معنا ازطریق نشانه‌هاست. این نشانه‌ها می‌توانند شامل تصاویر، صداها، حرکات دوربین، بازی بازیگران و سایر عناصر بصری و صوتی فیلم باشند. دلالت در سینما فرایندی پیچیده و چندمرحله‌ای است که دربردارندهٔ رمزگذاری، انتقال و رمزگشایی است. «می‌توان فیلم‌ها را باور داشت؛ زیرا تولید دلالت واقعیت و آلوده به نوعی ارجاع و شاخص مغالطه هستند.» (Mast et al., 1979: 233) فیلم‌ها ازطریق تصاویر، صداها و داستان‌ها، دنیایی را نشان می‌دهند که شباهت‌هایی به دنیای واقعی دارند. این شباهت‌ها باعث می‌شوند با شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری شکل بگیرد. اما این شباهت‌ها همیشه کامل نیستند. فیلم‌ها اغلب از کلیشه‌ها، اغراق‌ها و نمادها استفاده می‌کنند تا پیام خود را بهتر منتقل کنند. این عناصر می‌توانند باعث شوند که به‌جای دیدن واقعیت، چیزی دیده شود که فیلم‌ساز می‌خواهد به ما نشان دهد. پس رابطهٔ بین فیلم و واقعیت، بسیار پیچیده‌تر از آن است که در نگاه اول، به نظر می‌رسد. فیلم‌ها هم می‌توانند آینهٔ واقعیت باشند، هم می‌توانند واقعیت را تغییر دهند. فیلم‌ها تنها بازتابی ساده از واقعیت نیستند، بلکه ابزاری قدرتمند برای تفسیر، شکل‌دهی و حتی خلق واقعیت هستند.

رمزگان دلالت‌ها به معانی ضمنی و پنهان فیلم اشاره دارد. برای نمونه در فیلم "ماتریکس"[۸] اثر "واچوفسکی‌ها"[۹]، از ساختارهای پیچیده برای ایجاد دلالت‌های متعدد در فیلم استفاده شده است. مثلاً، در این فیلم، از قرص‌های قرمز و آبی برای نمادگذاری دنیای واقعی و دنیای مجازی استفاده شده است. رمزگان دلالت‌ها باید با موضوع فیلم ارتباط داشته باشد تا مخاطب بتواند آن را رمزگشایی کند. اکو دراین‌باره می‌گوید: «هر شکلِ علامت تنها زمانی در گسترهٔ دلالت معنایی جا می‌گیرد که با موضوع ارتباط داشته باشد.» (احمدی، ۱۴۰۰: ۳۶۲ به نقل از اکو)

رمزگان هم‌بستگی: کارکرد نشانه‌ای هم‌بستگی آن است که براساس بیان و محتوا، شکل می‌گیرد. رابطهٔ میان بیان و محتوا در سینما رابطه‌ای قراردادی و هم‌بسته است که در آن محتوا، بُعدی فرهنگی دارد. معنای یک فیلم نه در خود فیلم، بلکه در دستگاهی از نشانه‌ها و قراردادهای فرهنگی نهفته است که تماشاگر برای تفسیر فیلم، از آن استفاده می‌کند.

رمزگان هم‌بستگی می‌تواند شامل ژانرها، بازنمایی‌ها، نمادها و سایر عناصر فرهنگی باشند. سینمای پست‌مدرن قواعد را به چالش می‌کشد و از روش‌های مختلفی برای ایجاد ابهام و چندمعنایی استفاده می‌کند. رمزگان هم‌بستگی، ارتباط بین بیان و محتواست. بیان در سینما نه‌تنها حامل محتواست، بلکه به‌شدت بر نحوهٔ درک مخاطب از آن، تأثیر می‌گذارد. عناصر بصری و صوتی مانند تصاویر، صداها و حرکات دوربین، به‌همراه بازی بازیگران، به‌شکلی پیچیده با هم آمیخته شده است و معنایی چندلایه را برای مخاطب ایجاد می‌کنند. محتوا، درواقع، محصول تعامل بین این عناصر و تأثیر آن‌ها بر مخاطب است.

در فیلم "مالیخولیا"[۱۰] از "لارس فون تریر"[۱۱]، ارتباط بین بیان و محتوا به‌گونه‌ای عمیق و پیچیده برقرار شده است. برای مثال سیاره‌ای که به زمین نزدیک می‌شود، نمادی از افسردگی و پایان جهان است. این سیاره با شخصیت اصلی فیلم، جوستین که از افسردگی رنج می‌برد، هم‌راستاست؛ که از رمزگان‌های هم‌بستگی این فیلم است. همچنین، جشن عروسی که در ابتدای فیلم برگزار می‌شود، نمادی از شادی و زندگی است، اما به‌تدریج به یک مراسم عزاداری تبدیل می‌شود. این تغییر تدریجی، نماد گذر از شادی به اندوه، و از زندگی به مرگ است. تصاویر زیبای طبیعت در مقابل تهدید نابودی، به‌عنوان یک کنتراست قوی عمل می‌کنند؛ به مخاطب نشان می‌دهند که زیبایی و ویرانی می‌توانند هم‌زمان وجود داشته باشند. مالیخولیا با بهره‌گیری از رمزگان هم‌بستگی، بیننده را به سفری عمیق و تأمل‌برانگیز می‌برد.

رمزگان قراردادی:[۱۲] هر نشانه می‌تواند قراردادی برای نشانه‌ای دیگر شود و این امر، تا بی‌نهایت ادامه داشته باشد. «این بدان معناست که یک بیان واحد، براساس یک قانون دیگر، می‌تواند با محتوای متفاوتی هم‌بسته شود. یک ستاره طلایی روی سردوشیِ یک سرباز به معنای ستوان است، درحالی‌که روی یک پرچم راه‌راه به معنای ایالت متحده است.» (Eco, 3: 1977) در سینمای پست‌مدرن، رابطهٔ بین بیان و محتوا به‌طور مبهم، غیرمستقیم و چندمعنایی شکل می‌گیرد. این امر تفسیر و تأویل متن را برای تماشاگر چالش‌برانگیزتر می‌کند. قواعد و قراردادها می‌توانند شامل استفاده از بینامتنیت باشند. همچنین، استفاده از نمادها و نشانه‌های مبهم که در طول فیلم معنا می‌یابند.

برای نمونه، در فیلم قصه‌های عامه‌پسند از رمزگان قراردادی استفاده شده است؛ از قواعد و قراردادهای ژانر جنایی برای ایجاد طنز و کنایه استفاده می‌کند. مثلاً، در این فیلم، شاهد صحنه‌های خشونت‌آمیز و خونین هستیم، اما این صحنه‌ها به‌گونه‌ای به تصویر کشیده می‌شوند که طنزآمیز و غیرجدی به نظر می‌رسند؛ که قراردادی میان کارگردان و مخاطب است.

رمزگان بازنمایی: استفاده از نشانه‌ها برای اشاره به چیزهای واقعی، کارکرد اصلی آن‌ها نیست. «به این معنی است که محتوای یک بیان، مرجع نشانه نیست.» (Eco, 1977: 4) برای مثال در بیان سینمایی می‌توان ازطریق تدوین، بازیگران را به‌گونه‌ای نشان داد که گویی درحال

صحبت‌کردن با هم هستند؛ درصورتی‌که هنگام تصویربرداری هر دوی آن‌ها با هم حضور ندارند و جداگانه تصویربرداری شده است. دراصل، دیالوگ‌های آن‌ها ارجاعی به یکدیگر ندارد؛ اما در تدوین، محتوایی شکل می‌گیرد که می‌توان آن را رمزگان بازنمایی نامید. بازنمایی، فرایندی فعّال و خلاقانه است که در آن معنا ازطریق علائم، نشانه‌ها و ساختار فیلم، ساخته می‌شود. این رمزگان، به نحوهٔ نمایش واقعیت در فیلم می‌پردازد. فیلم "تلقین"[۱۳] از "کریستوفر نولان"[۱۴] با بازی مفاهیم رؤیا، واقعیت و حافظه و استفاده از تکنیک‌های پیچیده، روایتگری واقعیت را برای مخاطب ازطریق رمزگان بازنمایی، به چالش می‌کشد.

رمزگان تداعی: هنگامی که یک بیان دارای چند محتوا شود، شاخص‌های مختلفی در بروز آن نقش دارند. در این حالت، تداعی محتوا شکل می‌گیرد. «شاخص‌های معنایی از ترکیب نشانه‌ها به وجود می‌آیند و مفاهیم پیچیده‌تری را بیان می‌کنند.» (Eco, 1979: 97) فیلم صرفاً به یک سیستم کدگذاری ساده که هر عنصر آن به یک معنای واحد ارجاع می‌دهد، محدود نمی‌شود. رمزگانِ تداعی کمک می‌کند تا بتوان روابط غیرمستقیم بین نشانه‌ها و معانی آن‌ها را درک کرد.

رمزگان تداعی در سینمای پست‌مدرن، بر روابط غیرمستقیم بین نشانه‌ها و معانی آن‌ها، تمرکز دارد. فیلم‌های پست‌مدرن گاهی از رمزگان تداعی برای نقد فرهنگ عامه و کلیشه‌های موجود در آن، استفاده می‌کنند. این رمزگان به نحوهٔ ایجاد ارتباط بین تصاویر، صداها و مفاهیم در فیلم می‌پردازند. برای مثال در فیلم "جاده مالهالند"[۱۵] ساختهٔ "دیوید لینچ"[۱۶] به‌وسیلهٔ رمزگان تداعی، زمینهٔ تفسیر مخاطب را فراهم می‌آورد. در این فیلم، لینچ از رمزگان تداعی برای خلق فضایی مرموز و مبهم استفاده می‌کند که در آن، هیچ‌چیز آن‌طور که به نظر می‌رسد، نیست. شخصیت‌ها، اشیا و مکان‌ها همگی دارای معانی چندگانه هستند و تفسیر نهایی فیلم بر عهدهٔ مخاطب است.

رمزگان تفسیر: تفسیر، فرایندی فعال و پویاست که در آن خواننده یا مخاطب معنای یک نشانه را براساس تجربیات، دانش و زمینهٔ فرهنگی خود می‌سازند. «تفسیر امری ذهنی و نسبی است و هرگز پایان نمی‌یابد. هر خواننده یا مفسر براساس تجربیات، دانش و پیش‌فرض‌های خود معنای تفسیری از متن را ارائه می‌دهد.» (Ibid: 457). رمزگان تفسیر، مجموعه‌ای از قوانین و قراردادهاست که نحوهٔ تفسیر و درک نشانه‌های فیلم را تعیین می‌کند. «فنّ‌های سینمایی همانند حرکت دوربین، نورپردازی، صدابرداری، رنگ، تدوین و غیره که بینندگان معمولاً نسبت به این قراردادها آگاهی ندارند، بیشتر به محتوا توجه می‌کنند.» (چندلر، ۱۴۰۰: ۲۳۷) در سینمای پست‌مدرن، رمزگان تفسیر برای زیر سؤال بردن قراردادهای سنتی روایت، ایجاد معانی مبهم و درگیر کردن مخاطب به‌شکلی فعّال، در فرایند تفسیر به کار گرفته می‌شوند. برای مثال در فیلم "هفت"[۱۷] اثر "دیوید فینچر"[۱۸] با رمزگان تفسیر، از مخاطب می‌خواهد به‌طور فعّال در تفسیر فیلم شرکت کند و به دنبال معانیِ پنهان آن باشد. فیلم‌ساز در این فیلم، پاسخ‌های قطعی به سؤالات مخاطب نمی‌دهد و او را به تفکر انتقادی دربارهٔ مفاهیم فیلم مانند خیر و شر، عدالت و گناه، و معنای زندگی وا می‌دارد.

رمزگان توصیف: توصیف، تحت‌تأثیر عوامل مختلفی ازجمله تجربیات، دانش و زمینهٔ فرهنگی خواننده یا مخاطب شکل می‌گیرد. توصیف نه‌تنها به خود نشانه، بلکه به زمینهٔ فرهنگی و اجتماعی که از آن استفاده می‌شود نیز، بستگی دارد. رمزگان توصیف به مجموعه‌ای از قوانین و قراردادها تبدیل می‌شود که نحوهٔ شکل‌گیری این تصاویر ذهنیِ پویا و انعطاف‌پذیر را تعیین می‌کند. به‌عنوان مثال هنگامِ تماشای یک فیلم، تماشاگر نه‌تنها از تصاویر و صداها برای درک داستان استفاده می‌کند، بلکه از تجربیات و دانش خود از جهان پیرامون نیز برای تفسیر و تعبیر معانی فیلم بهره می‌برد. در فیلم "ادیسه فضایی"[۱۹] ساختهٔ "استنلی کوبریک"[۲۰] از رمزگان توصیف برای ایجاد تجربه‌ای احساسی و پربار به مخاطب استفاده می‌کند. در بسیاری از صحنه‌های فیلم، هیچ دیالوگ یا روایتی وجود ندارد و داستان عمدتاً ازطریق تصاویر و موسیقی، توصیف می‌شود. ازسویی فیلم به کاوش در موضوعاتی مانند ماهیت واقعیت، معنای زندگی و جایگاه بشریت در جهان نیز می‌پردازد.

رمزگان روایتی: تمایز ارتباط را بین نشانه و معنا نشان می‌دهد، زبان صرفاً به یک رمزگان ساده که هر عنصر آن به یک معنای واحد ارجاع می‌دهد، محدود نمی‌شود. آن‌گونه‌که ارتباط نشانه و معنا، روایت را شکل می‌دهد. «نشانه‌هایی که ازنظرِ نمادین غیرقابل اعتماد هستند، قدرت دلالت‌زایی خود را از تأثیر بافت روایت به دست می‌آورند.» (Eco, 1977: 6) این رمزگان شامل عناصر مختلفی ازجمله شخصیت‌ها، مکان‌ها، رویدادها، زمان، ساختار روایت، و لحن داستان است. ساختار رمزگان روایت نیز می‌تواند خطی، دایره‌ای یا موازی باشد؛ و لحن آن می‌تواند جدی، طنزآمیز، غم‌انگیز یا ترسناک باشد. «روایت - طرح‌ها که گاهی کاملاً صورت‌بندی‌شده هستند و ساختارها، موقعیت‌های پیش‌بینی‌پذیر، سکانس‌ها، موانع، کشمکش‌ها و گره‌گشایی‌های مشابه را شامل می‌شود.» (چندلر، ۱۴۰۰: ۲۳۶)

در سینمای پست‌مدرن نشانه‌های نمادین پایدار نیستند. هر نشانه، سبب شکل‌گیری نشانه‌ای دیگر می‌شود. در این حالت، رمزگان روایتی می‌تواند تفسیری بهتر از فیلم را ارائه دهد. برای مثال در یک فیلم سینمایی، شخصیت اصلی دارای پارانویا[۲۱] است. در کات‌های مختلف، او در واقعیت و خیال در رفت‌وآمد است در این فیلم، دلالت‌زدایی از تأثیر روایتِ فیلم و تداعیِ محتوا به دست می‌آید. ازسویی، جنبهٔ زیباشناختی رمزگان روایت نیز اهمیت دارد. این رمزگان، به نحوهٔ روایت داستان در فیلم می‌پردازد. برای مثال در فیلم "راشومون[۲۲]" اثر "آکیرا کوروساوا[۲۳]" از رمزگان روایتی به‌خوبی استفاده شده است. این فیلم، ساختار روایی غیرخطی و روایت‌های چندوجهی را برای روایت داستان به کار می‌برد.

رمزگان مفهومی: در نشانه‌شناسی مفهوم به‌نوعی، کلی‌تر از مدلول است. مدلول معنای مستقیمی است که از یک نشانه منتقل می‌شود. درحالی‌که مفهوم، به معنای گسترده‌تر و عمیق‌تر نشانه اشاره می‌کند و فرهنگ در آن، نقش مؤثری دارد. «فرهنگ از چارچوب مفاهیمی مانند رمزگان، سیالیت و قدرت، دیدگاه عمیق و پیچیده‌ای از ماهیت فرهنگ و نظام معنایی را ارائه می‌دهد.» (Eco, 2005: 389) مفهوم، شامل تمام معانی، تداعیات و تفاسیر بالقوه‌ای است که می‌توان از یک نشانه، استخراج کرد. در سینمای پست‌مدرن، رمزگان مفهومی برای ایجاد معنا و برقراری ارتباط با مخاطب است. همچنین، رمزگان مفهومی می‌تواند برای شکل‌دهی به نقش نشانه‌ها در یک فیلم استفاده شود. به‌عنوان مثال، در فیلمی که دربارهٔ جنگ است، پرچم ممکن است، نماد میهن‌پرستی یا ملی‌گرایی تفسیر شود. حال‌آنکه، در فیلمی که دربارهٔ استبدادگری است، پرچم ممکن است، نماد سرکوب یا کنترل تفسیر شود. در فیلم "گوست داگ: سلوک سامورایی"[۲۴] ساخته "جیم جارموش"[۲۵] از رمزگان مفهومی به‌خوبی استفاده کرده است. به‌عنوان مثال، شخصیت اصلی فیلم قاتلی است که از آموزه‌های هاگاکوره که یک مرام سامورایی است، پیروی می‌کند.

گرچه نظام دقیق و واضحی برای نشانه‌شناسی سینمای پست‌مدرن وجود ندارد و این سینما، درحال تجربه و خلاقیت‌های نو در خلق آثار است، اما واکاوی رمزگان‌ها، ارتباط نشانه‌ها و معانی چارچوبی برای نحوهٔ تفسیر خواهد بود. «نشانه‌شناسی سینما و فیلم هنوز به‌طور کامل ترسیم نشده است. اما قوانین آن فراتر از سینما و فیلم است.»(Eco, 1977: 13) .

در سینمای پست‌مدرن، از رمزگان‌های مختلف برای ایجاد معانیِ متعدد، تفسیرهای مختلف و سطوح مختلف درک، استفاده می‌شود. رمزگان‌های روایتی، تداعی، بازنمایی، قراردادی، هم‌بستگی، دلالت‌ها، رویدادها، توصیف، تفسیر و رمزگان مفهومی، می‌توانند برای تحلیل و تفسیر نشانه‌شناسی سینمای پست‌مدرن قابل استفاده باشد.

سینمای پست‌مدرن ایران

سینمای پست‌مدرن ایران، پدیده‌ای نوظهور است که در پرتو تحولات جهانی همچون گسترش ارتباطات، جهانی شدن، شتاب دانش، قدرت رسانه‌ها، و تبادل متون تخصصی، شکل‌گرفته است. سینمای پست‌مدرن ایران با به چالش کشیدن قواعد و هنجارهای سینمای قبل از خود، رویکردی تازه از مقولهٔ فیلم‌سازی ارائه می‌دهد. «نویسندگان ایرانی فیلم‌هایی مثل سلام سینما (۱۳۷۳)، دَه (۱۳۸۰)، بازهم سیب‌داری (۱۳۸۵)، اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر (۱۳۸۶)، در شهر خبر نیست، هست (۱۳۸۶) و غیره را ازجمله فیلم‌های پست‌مدرن سینمای ایران معرفی کرده‌اند.» (آقابابایی، ۱۳۹۵: ۶۹) این دسته‌بندی از سه رویکرد پیروی می‌کند.

فرم و روایت: برخی فیلم‌ها از نظر فرم و روایت، مؤلفه‌های پست‌مدرن را به کار می‌گیرند. «در این فرم روایت داستان از چندین قطعه تشکیل شده است. درواقع یک فیلم ممکن است از چندین داستان تشکیل شود که این داستان‌ها در نقاط خاصی از روایت با یکدیگر تلاقی پیدا کنند، به همین دلیل شکل روایت جدول‌گونه است و دریافتی غیر خودبه‌خودی برای تماشاگر ایجاد می‌کند.» (عادل، ۱۳۸۹: ۲۱۱)

تقلید: دسته‌ای دیگر، متأثر از سینمای پست‌مدرن غرب، به تقلید از آن می‌پردازند.

محتوا: گروهی نیز براساس محتوا و درون‌مایه، فیلم‌هایی را در این دسته قرار می‌دهند. برای نمونه، در فیلم "درباره اِلی" اثر "اصغر فرهادی"، مخاطب در حلقه‌ای از ابهام و سرگشتگی گرفتار می‌شود، بدون آنکه بتواند به قضاوت قطعی دربارهٔ شخصیت‌ها و مقصر اصلی ماجرا دست یابد. گویی هر نشانه، دریچه‌ای به‌سویِ نشانه‌ای دیگر است و مخاطب در تلاشی بی‌وقفه برای یافتن سرنخ، سرگردان می‌ماند. نمونه‌ای دیگر، فیلم "دَه" اثر عباس کیارستمی است که با فرمی مستندگونه و نادیده گرفتن عمدی حضور دوربین، تجربه‌ای منحصربه‌فرد را برای مخاطب رقم می‌زند.

از دیگر مشخصات بارز این سینما می‌توان به قطعی نبودن و نسبیت‌گرایی آن اشاره کرد. فیلم‌های پست‌مدرن اغلب از ارائه روایتی واحد و مطلق خودداری می‌کنند و در عوض، به ارائه دیدگاه‌های متعدد و گاه متناقض می‌پردازند. این امر، تماشاگر را به تفکر و تأمل دربارهٔ ماهیت واقعیت و تفسیرهای مختلف از آن، ترغیب می‌کند. «هر اثر هنری دارای فضایی باز است که توسط تأویل مخاطب تعیین می‌شود.» (Eco,

(121 :1998 مرکززدایی از مؤلف از دیگر شاخصه‌های این نوع سینماست. فیلم به‌عنوان محصولی که صرفاً دربردارندهٔ دیدگاه‌های کارگردان باشد، تلقی نمی‌شود، بلکه حاصل تعامل پیچیده‌ای بین عوامل متعددی ازجمله کارگردان، بازیگران، مخاطبان و زمینه‌های فرهنگی است. «سینما در عوض زبان مدونی از معانی فرهنگی را تولید می‌کند که پیامدهای مهمی برای دنیای واقعی دارد.»

(Eco, 2005: 87) فیلم‌های پست‌مدرن از ارجاعات متعدد به دیگر آثار سینمایی، ادبی و فرهنگی بهره می‌برند. این امر، به ایجاد لایه‌های معنایی متعدد در فیلم کمک می‌کند و تماشاگر را ترغیب می‌کند تا به کشف ارتباطات و تفسیرهای مختلف بپردازد. سینمای پست‌مدرن ایران، باوجود نوپا بودن، به‌واسطهٔ رویکرد خلاقانه و جسورانه‌اش، جایگاه قابل توجهی بین جریان‌های مختلف سینمایی ایران پیدا کرده است. این جریان، ضمن به چالش کشیدن افکار مخاطبان، در غنا و پویایی سینمای ایران نیز تأثیرگذار است.

تحلیل رمزگان‌های فیلم شطرنج باد براساس نشانه‌شناسی اکو

فیلم شطرنج باد به کارگردانی محمدرضا اصلانی، داستانی را در یک عمارت قاجاری روایت می‌کند و تقابل دو گروه را به تصویر می‌کشد. خانواده‌ای ثروتمند و ازرده‌خارج که پس از مرگ ناگهانی ارباب، با توطئه‌ها و دسیسه‌های گروهی فرصت‌طلب برای تصاحب ثروت‌شان، روبه‌رو می‌شوند. بااینکه ارباب‌زادهٔ بیمار و ناتوان و ندیمهٔ او در برابر توطئه‌ها مقاومت می‌کنند، اما در نهایت، تلاش‌های آن‌ها به پوچی می‌انجامد. درواقع فیلم، زوال جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند، به تصویر می‌کشد. عمارت قاجاری نمادی از جامعهٔ درحال گذار و فروپاشی است. همچنین، نماد و نشانهٔ مرگ است، عنصری همیشگی در فیلم که بر بی‌ثباتی و گذرا بودن زندگی، تأکید می‌کند.

این فیلم، مرز میان زیبایی‌شناسی و زشت‌شناسی را گسسته می‌کند. فضای وهم‌آلود این فیلم باوجود ترکیب‌بندی‌های زیباشناختی و طراحی صحنه درخشان، دارای تشویش و پریشانی است. «دنیای پست‌مدرن تمام تناقضات میان زشتی و زیبایی را از میان بر خواهد داشت. دیگر حتی تکرار تکیه کلام مشهور جادوگران در نمایش‌نامهٔ مکبث هم مسئله مهمی نخواهد بود؛ زیبایی زشتی است و زشتی، زیبایی. هر دوی این ارزش‌های مورد اشاره آن در یکدیگر ادغام شده‌اند و ویژگی‌های ممیزهٔ خود را از دست داده‌اند.» (اکو، ۱۴۰۰: ۶۱) براساس نشانه‌شناسی اکو و تحلیل مؤلفه‌های سینمای پست‌مدرن می‌توان رمزگان‌هایی را تحلیل و واکاوی نمود.

رمزگان روایتی: در فیلم، ساختار روایی غیرخطی و دایره‌ای به کار برده شده که بازتابی از آشفتگی و انحطاط تدریجی خاندان قاجار است. روایت از دیدگاه دانای کل ارائه می‌شود که قابل اعتماد نیست. این بی‌اعتمادی گاه به ذهن شخصیت‌ها، به‌ویژه خانوم‌کوچیک نیز نفوذ می‌کند و لایه‌های پنهان روانی آن‌ها، آشکار می‌شود. در این فیلم، به‌وسیلهٔ رمزگان روایتی، زوال تدریجی خاندان قاجار و فروپاشی ارزش‌ها و سنت‌های کهن در خلال تقابل سنت و مدرنیته، به تصویر کشیده می‌شود.

رمزگان تداعی: در این فیلم از اشیای به‌کار گرفته‌شده در طراحی صحنه و لباس به‌خوبی برای رمزگان تداعی، استفاده شده است. اشیای نمادین متعددی در فیلم حضور دارند، مانند قلیان، شطرنج، و اشیای عتیقه که هریک تداعی‌کنندهٔ مفاهیمی مانند فساد، انحطاط، گذر زمان و پوچی هستند. اشیا، از شاخص‌های نشانه‌ای اکو محسوب می‌شود که تداعی‌کنندهٔ معناست. «شاخص‌های معنایی از ترکیب نشانه‌ها به وجود می‌آیند و مفاهیم پیچیده‌تری را بیان می‌کنند.» (Eco, 1979: 97) ازسویی، رنگ‌های تیره و سرد در فضای داخلی عمارت، حس غم، افسردگی و مرگ را القا می‌کنند. همچنین، سکوت سنگین و گاه موسیقی غم‌انگیز، تداعی‌کنندهٔ فضایی وهم‌آلود و مرموز هستند.

رمزگان بازنمایی: رمزگان بازنمایی در این فیلم، عمارتی مجلل و قدیمی است که نمادی از شکوه و جلال گذشتهٔ خاندان قاجار را تداعی می‌کند. درعین‌حال، نمادی از انحطاط و زوال تدریجی آن‌ها نیز به حساب می‌آید. گرچه داستان این فیلم، اواخر دورهٔ قاجار را روایت می‌کند، اما به‌لحاظِ مضمونی، اشاراتی به تحولات اجتماعی و سیاسی دههٔ ۱۳۵۰ و پیامدهای آن بر زندگی طبقات مختلف جامعه دارد. این موضوع، در سکانس نهایی فیلم مشهود است. «هدف هنر الزاماً بازنمایی زیبایی نیست، بلکه تحقق شایستهٔ فعلی است که می‌خواهد انجام دهد. مثلاً بازنمودی زیبا از زشتی ارائه کند. قسمت اول کمدیِ الهی دانته، تجسم وحشت مطلق است. هنر، قادر است زشتیِ دنیا را دلپذیر کند.» (اکو، ۱۳۹۸: ۱۲)

رمزگان قراردادی: گرچه فیلم در ژانر درامِ تاریخی قرار می‌گیرد، اما عناصری فراواقع‌گرایانه و سورئالیستی نیز در آن به چشم می‌خورد که مضامین فیلم را عمق می‌بخشند. این باعث می‌شود که فیلم با مخاطب رمزگانی قراردادی ایجاد کند. سبک فیلم ازنظرِ بصری، تحت‌تأثیر سینمای نئواکسپرسیونیسم آلمان است. از سایه‌روشن‌های اغراق‌آمیز، قاب‌بندی‌های نامتعارف و حرکات غیرطبیعی دوربین برای القای حس اضطراب و آشفتگیِ ذهنی شخصیت‌ها استفاده

می‌کند. ازسویی، فیلم را می‌توان نقدی بر نظام فئودالی و استبداد قاجار، تلقی کرد.

رمزگان هم‌بستگی: تضاد بین فضای مجلل و باشکوه عمارت و پوچی و تهی بودن زندگی شخصیت‌ها را که نمادی از تضاد طبقاتی و شکاف عمیق بین ثروتمندان و فقرا در جامعهٔ قاجار است، براساس رمزگان هم‌بستگی می‌توان تفسیر کرد. ازسویی، تکرار سکانس‌هایی در فیلم القاکنندهٔ حس روزمرگی و پوچی زندگی شخصیت‌هاست. همچنین تضاد بین شخصیت‌های فاسد با شخصیت‌های معصوم و ستم‌دیده، نمادی از تضاد خیر و شر و مبارزهٔ همیشگی انسان با تاریکی درونِ خود است.

رمزگان دلالت‌ها: نماد شطرنج در این فیلم رمزگان دلالت‌هاست که مبارزهٔ زندگی و مرگ و تلاش انسان برای رهایی از قیدوبند سرنوشت را نشان می‌دهد. استفاده از صندلی چرخ‌دار برای شخصیت خانوم‌کوچیک که شخصیتی قدرتمند است، نشانه‌ای از ضعف او به‌منظور فائق آمدن بر مشکلات عمارت است. «هر نشانه‌ای علاوه‌بر آنچه نشانه دلالت می‌کند، گذشتهٔ آن کسی است که نشانه را ارائه می‌کند.» (کهون، ۱۳۹۹: ۹۶۹). در سکانس پایانی فیلم، دوربین از عمارت حرکت می‌کند و به فضای شهر می‌رسد. در اینجا، زمان شکسته می‌شود و تهرانی مشاهده می‌شود که در آن برج‌ها، دکل‌های برق و گیرنده‌های تلویزیون درحال خودنمایی هستند. گویی تلاش کارگردان بر این بوده تا به‌صورت دلالتی، وضعیت دشوار دیروز را به امروز پیوند زند.

رمزگان رویدادها: رویداد اصلی فیلم، مرگ خانوم‌بزرگ، نقطه‌عطفی در داستان است که زوال نهایی خاندان قاجار را رقم می‌زند. رویدادهای فرعی فیلم مانند ازدواج خانوم‌کوچیک و مرگ آقارضا، نمادی از گذر زمان و ناپایدار بودن زندگی هستند. رمزگان رویدادهای این فیلم، رویداد اصلی، رویداد فرعی و ساختار روایی آن است. ازسویی، رویداد این فیلم نازیباست؛ هرچند زمان فیلم به اواخر قاجار اشاره می‌کند، اما نشانه‌های فیلم، بیانگر ادامهٔ این نازیبایی در دههٔ پنجاه شمسی است. «رسانه‌های گروهی، به سهم خود، دیگر الگوی یک شکل، یا تنها یک آرمان زیبایی را به نمایش نمی‌گذارند. آن‌ها می‌توانند حتی در یک فعالیت تبلیغاتی که فقط یک هفته طول می‌کشد، تمامی کارهای تجربی پیشتاز و درعین‌حال الگوهایی از دهه‌های ۱۹۲۰، ۱۹۳۰، ۱۹۴۰، ۱۹۵۰ را حتی در فرم‌های ازمُدافتادهٔ اتومبیل‌های میانهٔ قرن دوباره زنده کنند.» (اکو، ۱۳۹۸: ۱۰۵)

رمزگان توصیف: فیلم از فضاسازی دقیق و ظریفانه‌ای برای القای حس غم، افسردگی و پوچی زندگی شخصیت‌ها، استفاده می‌کند. ازسویی، شخصیت‌های فیلم به‌طور کامل و چندبعدی، به تصویر کشیده می‌شوند. همچنین لحن فیلم تلخ، گزنده و انتقادی است؛ و رمزگان توصیف این فیلم، انتقاد از نازیبایی‌های آن دوران است. «سیاحِ دنیای آینده دیگر قادر به تشخیص آرمان‌های زیبایی‌شناسی اشاعه‌یافته ازسوی رسانه‌های گروهی قرن بیستم و پس از آن نخواهد بود. او ناچار است در مقابل افراط در رواداری و مدارا، سازش و التقاط میان مکاتب متضاد و مختلف و چندخدایی مطلق و توقف‌ناپذیر زیبایی تسلیم شود.» (همان: ۲۲۰)

رمزگان تفسیر: رمزگان تفسیری شطرنج باد را می‌توان به‌عنوان نقدی بر نظام فئودالی[۲۶] و استبداد قاجار و همچنین تأملاتی دربارهٔ ماهیت هویت، تلقی کرد. همچنین تفسیرهای مختلفی از فیلم وجود دارد، ازجمله تفسیر سیاسی، تفسیر فلسفی و تفسیر روان‌شناختی که سبب شکل‌گیری پیام فیلم می‌شوند. مخاطبی که با تاریخ و فرهنگ ایران آشناست، می‌تواند فیلم را بهتر تفسیر کند. برای مثال، مخاطب آشنا می‌داند که شطرنج در فرهنگ ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد و نمادی از هوش و استراتژی است. «کشف سویه‌های متفاوت هر پیام تصویری نکته مهم دیگری را پیش می‌کشد. ممکن است اثری در یک موقعیت تاریخی– اجتماعی به چشم مخاطبانش دارای کارکردی خاص باشد، اما در موقعیت دیگری این کارکرد را از دست بدهد.» (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۴۴)

رمزگان مفهومی: این رمزگان، شامل مفاهیم کلیدی فیلم است که عبارت‌اند از: زوال، انحطاط، مرگ، پوچی، گذر زمان، هویت، سنت، و مدرنیته. این مفاهیم برخی از شاکله‌های جهان پست‌مدرن است. «پست‌مدرنیسم با احساس خسران‌ناپذیر و قصور لاعلاج آغاز می‌شود. این زخمی است که علت آن آگاهی شدید مرگ بوده است. مرگی که با مرگ خدا آغاز و با مرگ خودمان پایان می‌پذیرد. ما در زمان و مکانی که لامکان است زندگی می‌کنیم.» (کهون، ۱۳۹۹: ۷۸۸) مفاهیم فیلم به‌طور سیال و پویا به هم مرتبط هستند و تفسیرهای مختلفی را به مخاطب ارائه می‌دهند. این روابط بین مفاهیم، رمزگان مفهومی است. برای مثال در ابتدای فیلم ازطریق فضاسازی اتاق، لباس و شخصیت‌پردازی، مخاطب در انتظار یک اتفاق شوم است.

تحلیل شطرنج باد براساس این رمزگان‌ها، نشان می‌دهد این فیلم اثری پیچیده و چندلایه است. فیلم از نمادها، استعاره‌ها و سایر عناصر نشانه‌شناختی به‌طور ماهرانه‌ای استفاده می‌کند تا مضامین خود را به مخاطب القا کند. همچنین روایت غیرخطی، نمادگرایی و لحن گزنده، تصویری تاریک، و نازیبا را درعینِ زیبایی بصری ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

تحلیل رمزگان در سینمای پست‌مدرن با زیر سؤال بردن قواعد و هنجارهای سینمای کلاسیک، به بازنمایی و تفسیر جدیدی از واقعیت می‌پردازد. در این نوع سینما، نشانه‌ها، نمادها و رمزگان‌ها نقشی کلیدی در انتقال مفاهیم و ایده‌ها دارند. به‌گونه‌ای‌که ازطریق بازی‌های زبانی و بینامتنیت، معنای فیلم به‌طور مداوم درحال تغییر و دگرگونی است. فیلم‌های این جریان با به چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی و سیاسی، مخاطب را به تفکر و تأمل دربارهٔ مفاهیمی مانند قدرت، هویت و واقعیت وا می‌دارند.

سینمای پست‌مدرن ایران، در چند دههٔ اخیر با الهام از مؤلفه‌های جهانی این جریان، به بازتاب چالش‌ها و تضادهای موجود در جامعهٔ ایرانی پرداخته است. نقد سنت، انتقاد اجتماعی و زیر سؤال بردن هنجارها، ازجمله ویژگی‌های بارز این نوع سینما به شمار می‌رود. فیلم‌سازان پست‌مدرن ایرانی، با به‌کارگیری نمادها و نشانه‌های متعدد، به واکاوی مفاهیمی مانند هویت، حقیقت و ماهیت روابط انسانی می‌پردازند. در این آثار، روایت‌های غیرخطی، بازی‌های زمانی و داستان‌گویی‌های چندلایه، مخاطب را به چالش تفکر و تأمل دربارهٔ مفاهیم پیچیده، دعوت می‌کنند. مرگ، به‌عنوان یکی از دغدغه‌های همیشگی بشر، در سینمای پست‌مدرن ایران نقشی پررنگ دارد. فیلم‌سازان این جریان، با به تصویر کشیدن مرگ در اشکال مختلف، به بررسی مفاهیمی مانند امتداد زندگی، گذر زمان، بی‌معنایی و مفاهیم عمیقِ زندگی پس از مرگ، می‌پردازند. علاوه‌براین، سینمای پست‌مدرن ایران به نقد ساختار سنتی خانواده و هنجارهای حاکم بر آن نیز می‌پردازد. فیلم‌سازان این جریان، با به تصویر کشیدن روابط پیچیدهٔ درون‌خانوادگی و چالش‌های زنان در جامعه مردسالار، به دنبال ایجاد گفت‌وگویی جدید دربارهٔ هویت و جایگاه زن در جامعه ایرانی هستند. درمجموع، سینمای پست‌مدرن ایران براساس رمزگان‌هایی که اشاره شد، با رویکردی انتقادی و نوگرایانه، به بازتاب مسائل و مشکلات جامعه ایرانی در دوران گذار از سنت به مدرنیته، می‌پردازد.

فیلم شطرنج باد با بهره‌مندی از رمزگان‌ها، روایتی را به تصویر کشیده است که مخاطب را به سفری در اعماقِ تاریکی و پوچی وجود انسان در دوران استبداد و فئودالیسم، می‌برد. ازسویی فیلم فاقد انسجام و منطق خطی است و گاه به رؤیاها و کابوس‌های شخصیت‌ها نیز، سرک می‌کشد. این امر، نمادی از فروپاشی نظم و انسجام در جامعهٔ قاجار و همچنین زوال هویت و ارزش‌های سنتی است. شخصیت‌های فیلم به‌طور کامل و چندبُعدی به تصویر کشیده می‌شوند و درون و بیرون آن‌ها، به‌خوبی آشکار می‌شود. این حالت، مخاطب را به هم‌زاد پنداری با آن‌ها و درک پیچیدگی‌های زندگی‌شان ترغیب می‌کند. در این فیلم، هیچ قهرمان مطلقی وجود ندارد و شخصیت‌ها همگی در تاریکی و تباهی غرق شده‌اند؛ که نمادی از پوچی و ناامیدی در جامعهٔ قاجار است.

شطرنج باد با بهره‌مندی از عناصر متعدد رمزگان سینمای پست‌مدرن، اثری می‌آفریند که مخاطب را به تفسیر دربارهٔ مفاهیمی مانند زوال، انحطاط، مرگ، پوچی، گذر زمان، هویت، سنت و مدرنیته وا می‌دارد. این فیلم اشاراتی به متون و آثار دیگر هم دارد، ازجمله ادبیات کلاسیک ایران در دورهٔ قاجار و سینمای نئواکسپرسیونیسم. ازسویی فیلم در سکانس‌هایی، قواعد ژانرهای سنتی را می‌شکند و به اثری بدیع و منحصربه‌فرد تبدیل می‌شود. براساس نشانه‌شناسی اکو و رمزگان‌های اشاره‌شده، فیلم شطرنج باد بیشتر مؤلفه‌های سینمای پست‌مدرن ایران را داراست.

پی‌نوشت

1. Genre
2. Semiology
3. Umberto Eco (1932-2016), Philosophies, Semiologus
4. John Philip Hewak
5. Pulp Fiction
6. Quentin Tarantino (1963) Film director

7. Signifier-Signified Boundary
8. The Matrix
9. The Wachowskis, Film and television directors, writers, producers
10. Melancholia
11. Lars von Trier
12. Conventional Code
13. Inception
14. Christopher Edward Nolan
15. Mulholland Drive
16. David Lynch (1946) Film director
17. Seven
18. David Fincher (1962) Film director
19. 2001: A Space Odyssey
20. Stanley Kubrick (1928-1999) Filmmaker, photographe
21. Paranoia
22. Rashomon
23. Akira Kurosawa (1910-1998) Film director. Screenwriter, producer, editor
24. Ghost Dog
25. James Robert Jarmusch (1953) Filmmaker, Actor, composer
26. Feudalism

منابع و مآخذ

- آقابابایی، احسان. (۱۳۹۵). گفتمان پست‌مدرن در سینمای ایران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۷ (۱): ۷۶-۶۷.
- احمدی، بابک. (۱۴۰۰). **از نشانه تصویری تا متن**. چاپ نوزدهم، تهران: مرکز.
- _____ (۱۴۰۰). **ساختار و تأویل متن**. چاپ بیست و دوم، تهران: مرکز.
- اکو، امبرتو. (۱۳۹۳). **نشانه‌شناسی**. ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث.
- _____ . (۱۳۹۸). **تاریخ زشتی**. ترجمه هما بینا و کیانوش تقی‌زاده انصاری، چاپ سوم، تهران: فرهنگستان هنر.
- _____ . (۱۳۹۸). **تاریخ زیبایی**. ترجمه هما بینا، چاپ پنجم، تهران: فرهنگستان هنر.
- _____ . (۱۴۰۰). **سرگذشت جامعه سیال**. ترجمه هانیه رجبی و مهدی موسوی، تهران: پارسه. همچنین این ارجاع را
- بصیری‌زاده، پژمان. (۱۳۹۹). *مطالعه مؤلفه‌های پست‌مدرنیست در سینمای ایران*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: مؤسسه آموزش عالی کمال‌الملک.
- چندلر، دانیل. (۱۴۰۰). **مبانی نشانه‌شناسی**. ترجمه مهدی پارسا، چاپ هفتم، تهران: سوره مهر.
- عادل، شهاب‌الدین. (۱۳۸۹). **تحولات معاصر در مفهوم زمان سینمایی**. تهران: دانشگاه هنر.
- کرنی، ریچارد. (۱۴۰۰). **تاریخ فلسفه راتلج**. جلد هشتم، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ سوم، تهران: چشمه.
- کهون، لارنس. (۱۳۹۹). **از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم**. ویرایش عبدالکریم رشیدیان، چاپ دوم، تهران: نی.

- Eco, U. (1977). On the contribution of film to semiotics. *Quarterly Review of Film Studies*, 2(1), 1-14. DOI: 10.1080/10509207709391328.
- _____. (1979). **The role of The Reader: Exploration in the Semiotics of Text**. Bloomington: Indiana University Press.
- _____. (1989). **The open Work, Translator Anna Cancogni**. Massachusetts: Harvard University Press.

- _____. (2005). Innovation and Repetition: Between Modern and Postmodern Aesthetics. *Daedalus*, 134(4), 191-207. https://doi.org/10.1162/001152605774431527.
- _____. (2011). **La estructura ausente. Translator Francisco Serra Cantarell**. Madrid: Random Mondadori.
- Hawkes, T. (1977). **Structuralism and Semiotics**. London: Routledge.
- Hewak, J. P. (1991). *Early Film Semiotics and the Cinematic Sign*. Master's thesis, McMaster University.
- Mast, G.; Cohen, M. (1979). **Film Theory and Criticism**. New York: Oxford University Press.

Received: 2024/09/18
Accepted: 2024/12/22

Analyzing the codes of the film "Chess Wind" by Mohammad Reza Aslani based on the semiotics of Umberto EcoAbstract*

Mehdi Ghadiani Mohammad Shokri*** Minoo Khani******

Abstract

The semiotics of Umberto Eco in cinema can be analyzed through expression and content, as well as culture and interpretation. Among these, codes —representing the relationships between expression and content— hold particular importance. In postmodern cinema, these codes give rise to interpretations by the audience, where cultural factors play a significant role. The codes within Eco's semiotic framework include: events, associations, representations, conventionality, coherence, denotations, interpretation, description, narrative, and conceptualization. These codes reflect Eco›s views on semiotics in cinema and contribute to a more nuanced understanding of postmodern Iranian cinema. Currently, no comprehensive system for the semiotics of postmodern cinema exists, indicating that scholars are still investigating the functioning of signs and meanings within films. However, there are general principles governing these codes. These principles address how signs relate to meanings and how they are interpreted by audiences. In Iranian postmodern cinema, signs, symbols, and codes play a crucial role in representation and interpretation. This aligns with Eco›s perspective on signs and codes. The interpretation of postmodern films is continuously evolving, due to the intertextual nature of this cinema. Filmmakers in this genre make frequent references to other cinematic, literary, and artistic works. These references add new layers of meaning to the film and provide informed audiences with the opportunity to derive multiple interpretations. This research is theoretical-applicative in nature and descriptive-analytical in method. The sample includes selected works of postmodern cinema from both global and Iranian contexts, with a case study on the film Chess of the Wind by Mohammadreza Aslani.

Keywords: Code Analysis, Semiotics, Eco, Cinema, Chess of the Wind

---

* This article is taken from Mehdi Ghadyani's PhD dissertation entitled "Analyzing the Codes of the Film Chess of the Wind by Mohammad Reza Aslani based on the Semiotics of Umberto EcoAbstract" under the supervison of Dr. Mohammad Shokri, Islamic Azad University, North Tehran Branch.

** PhD student in Philosophy of Art, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran. *mahdighadyani@gmail.com*

*** Assistant Professor, Department of Philosophy, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran (Corresponding Author). *ohammadshokry44@gmail.com*

**** Assistant Professor, Department of Philosophy, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. *khanyminoo@gmail.com*